

به نام خداوند جان و خرد

## در سخنان رئیس جمهور جایگاه منافع ملی کجاست؟

که احتمال دخالت دولت آمریکا در آن رویداد را مطرح می کرد از همان ابتدا توسط خیلی از افراد و رسانه ها عنوان گردیده بود ولی این شایعه تاکنون توسط رئیس جمهور یک کشور آنهم در جایگاه مجمع عمومی سازمان ملل متحد هرگز مطرح نگردیده بود. بیان آن مطالب توسط رئیس جمهور جمهوری اسلامی عکس العمل های شدید مقامات سیاسی آمریکا و حتی رئیس جمهوری آن کشور را در پی داشت و آنان با سخنان تندی این مطالب را مردود و نامعقول دانستند.

سؤال این است که چه ضرورتی بیان چنین سخنانی را ایجاد می کرد؟ و ذکر چنین مسائلی چه مشکلی را از دست و پای ملت ایران می گشود؟ و چه نفعی را برای ملت ایران به ارمغان می آورد؟ در شرایطی که سیاست خارجی کشور با بحران های عدیده ای از قبیل مسئله انرژی اتمی و تحریم های بین المللی و تهدید های نظامی روبروست و حل کردن این بحران ها و تنش زدائی در روابط بین الملل باید در سرلوحه اقدامات هر دولت دلسوز و میهن دوستی باشد. آیا بیان مطالبی بدانگونه که اشاره شد با حفظ امنیت و منافع ملی ایران همخوانی دارد؟ بلا تردید پاسخ این سؤال منفی است و این بیانات تنها به ایجاد تنش های تازه و مضاعف و پیچیده تر شدن بحران خواهد انجامید. حادثه ۱۱ سپتامبر آنطور که در اسناد و مدارک مربوط به آن رویداد نشان داده شده و در اذهان مردم جهان شناخته شده و پذیرفته شده است توسط سازمان بنیادگرایی اسلامی تحت نام سازمان القاعده صورت گرفته و مسئولیت آن حرکت نیز توسط رهبران این سازمان به عهده گرفته شده است ولی آنچه محرز است اینست که حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط هر سازمان و یا با دخالت هر دولتی صورت گرفته باشد عواقب و عکس العمل های نسبت به آن که برچیده شدن حکومت عقب مانده و واپسگرای طالبان در شرق ایران و سرنگون شدن حکومت دیکتاتوری و جنایت کار صدام حسین در غرب میهن ما را در پی داشت باید از نظر امنیت و منافع ملی ایران مغتنم و مثبت تلقی گردد. زیرا که سایه سنگین دو تهدید جدی و خطیر را از سر ایران بر طرف نمود.

کلام آخر اینکه این بیانات به اندازه ای از منطق و مصلحت سیاسی به دور بود که بسیاری از صاحب نظران عنوان کردن آنها را تنها نوعی فرافکنی و تنش آفرینی برای سرپوش گذاشتن بر بحران های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی می دانند که دولت جمهوری اسلامی با آنها روبروست.

در عرصه سیاست بین المللی قدرت های بزرگ و فائقه جهان هر یک به دنبال تامین منافع و مصالح ملی خود هستند و در این دنبال کردن منافع خود است که تضاد بین منافع آنها نمایان می گردد و مناقشات پنهان و آشکار بین آنها و گاهی هم بروز بحران های جدی در روابط بین آنها را سبب می شود. اما بدیهیست که این قدرت ها برای پیشگیری از تنش های خطرناک می کوشند تا به شکلی منطقی و در تعامل با یکدیگر و تطبیق دادن خود با سایر حریفان مواضع و سیاست های خود را تنظیم و اجرا کنند. برای سایر کشورها که از نظر بنیه اقتصادی و پیشرفتهای علمی و توان نظامی و نفوذ سیاسی در درجات پائین تری قرار دارند حفاظت از منافع ملی ایجاد می کند که یکی از دو روش زیر را مد نظر قرار دهند اول اینکه در تضاد بین قدرت های برتر جانب هیچ یک را نگرفته و سیاست مستقل ملی و بیطرفانه خود را دنبال کنند که همین روش فلسفه برپائی جنبش عدم تعهد از کشورهای مستقل جهان به ویژه در آسیا و آفریقا گردید و بزرگ مردانی چون دکتر محمد مصدق، جواهر لعل نهرو، دکتر احمد سوکارنو و ژنرال تیتو سر دمداران آن بودند. روش دوم این است که اگر در شرایطی ویژه حفظ و ارتقاء منافع ملی خود را با یارگیری در صحنه جهانی و همکاری با برخی از قدرتها مثبت تر ارزیابی می کنند عاقلانه و مدبرانه این است که حداقل با قدرتهای بزرگ تر و اثر گذارتر روابط مناسب و محترمانه تری برقرار کنند تا اینکه ملعبه دست قدرتهای درجه دوم و سوم شده و منافع ملی خود را دچار مخاطره نمایند. البته طبیعی است که در پهنه سیاسی جهان رویارویی با یک قدرت به مفهوم قرار گرفتن در کنار قدرت های دیگر و جانب داری از آنان تلقی گردد.

به دیگر سخن امروز ابراز خصومت به آمریکا شائبه ایستادن در کنار روسیه یا چین و یا انگلیس را به اذهان متبادر می نماید که این از سیاست خارجی مستقل و بی طرف و اهداف جنبش عدم تعهد و همچنین از یارگیری عاقلانه و جناح سازی مدبرانه بسیار فاصله دارد. رئیس جمهور جمهوری اسلامی در ماه گذشته در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن سخنرانی خود صرفنظر از این که طلیعه آن با سخنرانی در روی یک منبر و در یک حسینیه بیشتر شباهت داشت تا به سخنرانی در سازمان ملل متحد، اتهامات سنگینی را متوجه دولت آمریکا نمود و اصل حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا را زیر سؤال برد و آن حادثه را که طی آن هزاران نفر از شهروندان آمریکایی کشته شدند توطئه ای از پیش طراحی شده از جانب بخشی از دولت آمریکا دانست. البته این شایعه

## چالش های رو به گسترش

در شرایطی که بسیاری از دولتهای خردمند و آگاه به منظور دستیابی به توسعه پایدار در راستای تأمین رفاه عمومی، مردم سالاری، حقوق بشر و اعتلای علمی گام بر می دارند و برخی دیگر کوششیده اند که خود را از جرگه کشورهای در حال توسعه خارج نموده به صف دولتهای پیشرفته صنعتی در آیند و در شمار تصمیم گیران مسائل اقتصادی و تجاری جهانی در گروه ۸ یا ۲۰ قرار گیرند، جوامعی هم مانند کشور ما هستند که با وجود داشتن منابع غنی و جایگاه «ژئوپولیتیک» و «ژئواکونومیک» و اکثریت نسل جوان با تکیه بر ارزشهای بنیاد گرایانه فراملی نه تنها در حال توسعه باقی مانده اند بلکه در امور داخلی و خارجی با دشواریهای جدی دست به گریبان می باشند.

**جبهه ملی ایران در ارزیابی رویدادهای سال گذشته ایران با نگرانی از آینده معتقد است که:**

۱- سیاست خارجی و تهاجمی اصول گرایان نه تنها خواستهای مورد انتظار را عملی نساخته بلکه جامعه را با چالشهای رو به گسترش در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رو به رو گردانیده است. نمونه بارز آن صدور قطعنامه های سنگین از سوی حکام اژانس بین المللی انرژی اتمی و به ویژه شورای امنیت در موضوع تکنولوژی هسته ای و قطعنامه های متعدد از شورای حقوق بشر است. این شورا یا کمیسیون سوم مجمع عمومی، ایران را به علت نقض حقوق بشر محکوم کرده است.

۲- سیاست نگاه به شرق با دادن امتیازات و باج دهی به روسیه و چین به منظور حمایت از ایران در رویارویی با کشورهای غربی نتیجه ای به بار نیاورده است و آنها همواره به دنبال بهره گیری اقتصادی از ایران و استفاده های ابزاری برای کسب امتیاز از آمریکا بوده اند. چنان که در موضوع صدور قطعنامه های شورای امنیت ناظر به تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی نیز با دیگر اعضای ۱+۵ همکاری نزدیک داشته اند؛ علاوه بر این روسیه در به راه انداختن راکتور هسته ای در

بوشهر و ارسال موشکهای S-300 سیاست تاخیر و تعلل پیش گرفته و در رابطه با رژیم حقوقی دریای مازندران با حمایت و همکاری کشورهای ساحلی دیگر ایران را در موضع انفعالی قرار داده است.

از سوی دیگر دولت چین با این که در قبال پیشنهاد آمریکا داور اعمال بازرسی کشتی های کره شمالی در دریای آزاد شدیداً اظهار مخالفت کرد و مانع از تحقق این پیشنهاد گردید ولی در مورد ایران با دیگر اعضای ۱+۵ راه موافقت پیش گرفت و هماهنگی نشان داد.

از جهت دیگر، صرف نظر از صدور انرژی ایران به چین، داد و ستد بازرگانی با این کشور، رابطه تجاری یک جانبه بوده است و به علت ورود بی قاعده و انبوه کالاهای چینی از راههای قانونی و غیر قانونی به وسیله سودجویان داخل رژیم، بسیاری از صنایع داخلی به ورشکستگی کشیده شده است.

۳- کشورهای عضو اتحادیه اروپا که پیشتر با اعمال تحریم های مضاعف از سوی آمریکا به دلیل مغایرت با مقررات تجارت جهانی و حقوق بین المللی در مقام مخالفت برآمده بودند اینک همراه با دیگر کشورهای صنعتی اجرای آن را و جبهه همت خود قرار داده اند.

۴- کشورهای عربی منطقه با اتخاذ سیاست بسیج همگانی در قبال ایران بر آن شده اند که تحریم های پیش بینی شده در قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران را با حسن نیت اجرا کنند و با خواسته های گروه ۱+۵ راه همکاری پیش گیرند.

۵- امروز در میان مسئله امنیت و توسعه پایدار و حقوق بشر رابطه ای ناگسستنی وجود دارد به طوری که تحقق یکی بدون دیگری صورت نخواهد گرفت به همین جهت مسائل مهم جهانی در کنار این عوامل ارزیابی و تصمیم گیری می شود؛ از این رو رویدادهای یکسال اخیر ایران درباره انتخابات که خواست های مسالمت آمیز و آرام مردم با واکنش خشونت آمیز دولت رو به رو گردید و به بازداشت آزاد اندیشان، فعالان سیاسی، زنان، معلمان، روزنامه نگاران، دانشجویان و کارگران انجامید بازتاب منفی جهانی را در پی داشت و اعضای

۱+۵ در موضوع مسئله تکنولوژی هسته ای موفق شدند افکار عمومی جهانیان را در برابر ایران بسیج نمایند به این ترتیب در مذاکرات آینده مسئله تکنولوژی هسته ای با موضوع حقوق بشر به طور تنگاتنگ پیگیری خواهد شد.

۶- سرانجام باید دانست که ساختار نظام بین المللی بر دو پایه استوار است:

یکی بنیان حقوقی مبتنی بر اساس برابری حاکمیت کشورها اعم از بزرگ و کوچک، دیگری بنیان ژئوپولیتیک مبتنی بر سلسله مراتب قدرتها و نقش ویژه ی قدرتهای بزرگ در تعیین و تنظیم نظم جهانی، بنابراین با در نظر گرفتن این واقعیت، دولتهای واقع بین منافع خود را در همسویی با قدرتهای بزرگ به ویژه قدرتهای مسلط تر بر اساس منافع متقابل دانسته در این راه گام بر می دارند. خاصه امروزه امنیت ابعاد تازه ای پیدا کرده و عنصر اقتصادی و رفاه عمومی اولویت خاصی کسب نموده است. از این روست که قدرتهای بزرگ گذشته از بعد نظامی، امنیت واقعی خود را در ایجاد پیوند اقتصادی و مالی با قدرت برتر دانسته و این مسیر را برگزیده اند مثلاً ژاپن در ۱۴ ایالت آمریکا سرمایه گذاری عظیم کرده و نیز بزرگترین خریدار اوراق قرضه فدرال رزو بانک امریکاست؛ دولت چین هم همین روش را اتخاذ کرده است به همین جهت قطبهای اقتصادی در عین حال که با هم رقابت دارند ولی در قبال قدرت برتر ملاحظاتی را رعایت می کنند. بدیهی است در چنین دنیایی دشمنی و مقابله جویی با قدرتهای برتر بر مبنای ارزشهای ایدئولوژیک شاید در کوتاه مدت دستاوردهائی داشته باشد ولی در دراز مدت پی آمدهای نامطلوبی را در پیش خواهد داشت که یکی از آنها دادن باج های سنگین به قدرتهای وقت خواهد بود. بنابراین مسلم است کشورهایائی که منافع ملی را در جنبه ارزشهای ایدئولوژیک آنها هم واپس گرا ارزیابی می کنند راهی بس ناهموار را در پیش گرفته و آینده نگران کننده ای را در پیش خواهند داشت پس عقل سلیم و دوراندیشی مبتنی بر مصالح کشور و ملت ایجاب می کند که در مسئله تکنولوژی هسته ای بر اساس این واقع نگری تصمیم گیری شود.

## آنان که خواستار نظام تک حزبی هستند، آزادی های اجتماعی را باور ندارند

خود می گرفت ولی حرکات هر دو حزب به فرمان شاه بود. رهبران این احزاب به غلام جان نثار بودن افتخار می کردند.

گاه گاه حزب اقلیت ندانسته پای از خط تعیین شده برون می نهاد در آن نظام بدون توجه به قانون اساسی، حقوق اساسی و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم و حق تشکیل احزاب از مردم گرفته شده بود (از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا بهمن ۵۷) چون که از شهریور ۱۳۲۰ تا پایان دولت دکتر مصدق شرایط جهانی و داخلی کشور اجازه یک حزبی شدن و یا اینکه همه احزاب از یک مرکز تبعیت کنند را نمی داد تجربه ای که شاه در آن رژیم در اعلان یک حزبی شدن کشور کرد و حزب به اصطلاح همه گیری به نام رستاخیز تشکیل داد از اشتباهات بزرگی بود که خود پس از سقوط نظام سلطنتی به آن اعتراف کرد. انحلال احزاب (هر چند احزاب دولتی فقط آزادانه دفتر و روزنامه ای داشتند) و ایجاد یک حزب راه پایان یافتن آن نظام را هموار کرد و به آن سرعت بخشید. در ایران امروز هم دهها حزب که اکثر آنها فقط اسمی دارند برابر لایحه احزاب مجوز گرفته اند. احزابی و جمعیت هایی هم تشکیل حزب و یا جبهه را برابر اصول و مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی خود را نیازمند گرفتن مجوز نمی دانند و وجود دارند هر چند که حاکمیت آنان را قانونی نمی داند ولی سخنان رئیس دولت دهم که در اذهان عمومی یادآور تشکیل حزب رستاخیز است تعبیری جز محدودیت بیش از پیش فعالیتهای گروهی و اجتماعی نیست. یکی از علل فرار مغزها در ایران همین عدم آزادی هاست. اگر کشورهایی چون کانادا و آمریکا اقامتگاه فارغ التحصیلان برجسته دانشگاه های ایران است و در همه مراکز پیشرفته علمی جهان ایرانی ها حضور دارند و علم و تجربیات خویش را در خارج از کشور به خدمت علم جهانی در می آورند...

سیاست ها و روشها و گفته هایی است که امنیت انسانها را در مملکت از میان می برد و بیگانگان با روی گشاده به استقبال این گروه می روند و فرار مغزها از ایران و نه مهاجرت طبیعی در جوامع است بلکه بازتاب ناملایماتی است که همگان را تاب تحمل آنها نیست در رژیم گذشته هم هر بار فشار حکومت افزایش می یافت موجی از آن برمی خواست که گروهی از جوانان را به خارج از کشور سوق می داد. در انقلاب بهمن ۵۷ نیز چنین شد. در انقلاب فرهنگی و در پی بسته شدن دانشگاه ها به عنوان انقلاب فرهنگی فرارها اوج گرفت و دروغا که در این سی و یکساله بعد از بهمن ۵۷ سرمایه های مادی و به ویژه مغزهای ایران زمین پیوسته راهی خارج از کشور بوده است.

در کشورهایی که یک ایدئولوژی بر آنها حاکم است یک حزب وجود دارد. آیا کشور ایران باز هم می خواهد جوانان را بیشتر به دیگر سرزمینها گسیل دارد؟ چرا از تجربیات تلخ گذشته نمی آموزند و تسلیم واقعیت های جهانی نمی شوند.

مسئولین حکومت در ایران نه بر آنند که از گذشته ها پند گیرند و نه خود با اتکا به خرد جمعی سخن گفته و اقدام می کنند. بر خوردهای درونی حاکمیت در گفته های مسئولین نمایان است و در این میانه رئیس دولت دهم بارها مطالبی به زبان آورده است که نه از دیدگاه آنان که برگزیده شدن ایشان را موجه نمی دانند بلکه یاران نزدیکشان هم، به اعتراض و گلایه های تند برخاسته اند. سخنان گفته شده درباره مسائل برون مرزی و روابط ایران و دولتهای دیگر حدیثی است جداگانه که در اینجا مورد بحث نیست. در عرف دیپلماتیک انگشت شمارند سیاست مداران و سیاست پیشه گانی که خود را تافته جدا بافته ای می شمارند و چون راهنمایان بشر مطالبی را بیان می نمایند که ریشه در خود شیفتگی دارد.

در بیستم تیرماه ۱۳۸۹ به نوشته روزنامه شرق (شماره ۸۵ دوره جدید) رئیس دولت دهم در سخنرانی خود نکات جنجال برانگیز چندی را بیان نموده اند. که در اینجا به یک مورد آن اشاره می شود. رئیس جمهور گفت: «نظام ولایت یک حزب بیشتر ندارد و آن حزب ولایت است ...» از فردای آن روز نخست رهبران حزب مولفه (این حزب از حامیان جدی دولت اصول گراست) بودند که گفتند این سخن قابل قبول نیست و تنوع احزاب مغایرتی با مذهب ما ندارد بعد از این گروه رئیس جمهور سابق اصلاح طلب (آقای خاتمی) نیز زبان به شکوه گشود که این سخنان مغایر قانون اساسی است و در هیچ جای قانون اساسی و یا مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی اشاره ای به یک حزبی شدن نداریم و نمی توان استنباط کرد که باید فقط یک حزب در حکومت جمهوری اسلامی فعالیت داشته باشد.

در دنیای امروز مدتهاست که بنا به اراده مردم حکومت های تک حزبی جای خود را به جوامع چند حزبی داده است و جایی برای چنین نظریاتی باقی نمانده است. پلورالیسم (کثرت گرایی) به رشد اجتماعی کمک میکند و آگاهی های جمعی را فزونی می بخشد و وقتی در کشوری از گرد آمدن افراد بر محور عقاید پذیرفته شده خود ممانعت به عمل آید و بخواهند یک ایدئولوژی محور گردآمدن همگان شود حرکت حاکمان به سوی جدایی از مردم است و حاکمانند که می خواهند چگونه اندیشیدن را به مردم القاء کنند، جامعه ای تک حزبی خواهد بود که دولت راه اندیشه های متفاوت را که در هر کشوری وجود دارد را ببندد و این حرکتی به سوی استبداد است. در اواخر دوران رژیم سلطنتی ایران هیئت حاکمه به روشهای مختلفی در مورد احزاب عمل می کرد رژیم پهلوی می خواست به دولتهای جهان بگوید که روش دمکراتیک دارد. لذا مرتباً احزابی از سوی رژیم تشکیل و پس از مدتی از صحنه خارج می شدند بسیاری از احزاب به دستور شاه تشکیل و یا برچیده می شدند، احزاب شه ساخته مجاز به فعالیت بودند به طور مثال زمانی احزاب مردم، ملیون، ایران نوین تشکیل و سپس منحل شدند. حزبی در نقش اکثریت و دیگری نقش اقلیت به

## برخورد خشونت بار و غیر قانونی با وکلای دادگستری محکوم است

کردن آقای محمد اولیایی فرد وکیل شجاع دادگستری و عضو سازمان حقوقدانان جبهه ملی ایران به جرم دفاع از دانشجویان زندانی و قبول وکالت متهمین سیاسی مورد دیگری از برخورد غیر قانونی با وکلای دادگستری که هم اکنون با وجود بیماری شدید در زندان اوین دربند است.

خانم نسرين ستوده وکیل دیگر است که به سبب دفاع از زندانیان عقیدتی هم اکنون در زندان به سر می برد و خانواده و فرزندان خردسال ایشان دچار پریشانی و نگرانی هستند. جبهه ملی ایران برخورد خشونت بار و غیر قانونی با وکلای دادگستری که جز وجدان بیدار و انجام وظیفه ی حرفه ای خود گناهی ندارند را اشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری کلیه وکلای دادگستری زندانی و رعایت شان و منزلت و مصونیت حرفه ای آنان میباشد.

نه تنها آنطور که باید مورد تکریم و اعتنا قرار نمیگیرند، بلکه در دفاع از موکلین خود از هیچگونه مصونیتی برخوردار نیستند و ما شاهد موارد متعددی از برخوردهای خشونت آمیز و زندانی شدن و کلا به علت دفاع از موکلین و انجام وظیفه و کالتی خود می باشیم. نمونه بارز اینگونه برخوردها زندانی کردن آقای دکتر ناصر زرافشان وکیل خانواده های مقتولین سیاسی در ماجرای نفرت انگیز قتل‌های زنجیره ای سیاسی بود که ایشان به جرم دفاع از حقوق خانواده های شهدای راه آزادی فروهرها، مختاری و پوینده سالها در زندان به سر برد. برخورد با خانم شیرین عبادی دریافت کننده جایزه صلح نوبل به علت دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و حقوق بشر مورد دیگری از برخورد خشونت بار با وکلای آزاده و نوع دوست در جمهوری اسلامی است. زندانی

وکیل دادگستری بر طبق قانون و به حکم وظیفه و وجدان باید با به کارگیری همه دانش و اطلاعات خود از قانون در دفاع از موکلینش و احقاق حقوق آنها بکوشد. حرفه وکیل دادگستری و سوگندی که او برای احراز این شغل ادا کرده است ایجاب میکند تا آخرین حد امکان و با استفاده از همه پیچ و خمهای قانون در دفاع از موکلینش تلاش نماید. حرفه وکیل صرف نظر از داشتن یک شغل برای امرار معاش، یک وظیفه انسانی برای خدمت به مردم و تامین حقوق قانونی آنهاست.

بهمین مناسبت در سراسر دنیا وکیل مورد احترام جوامع بشری بوده و حتی در مسیر دفاع از موکلین خود دارای مصونیت میباشد. در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به ویژه در دادگاه های انقلاب و درمورد دفاع از زندانیان سیاسی و کلا

## انفجار افزایش جمعیت زیان بار تر از انفجار اتمی

میلیون و یا دهها میلیون برابر خواهند گردید که تنها تامین آب و غذا و لباس برای آنها مشکلات عظیم و برنامه ریزی های حساب شده و گسترده ای را می طلبد. آیا این جامعه در حال توسعه امکان برآورده کردن این همه نیازها را خواهد داشت؟ یا افزایش بی رویه جمعیت هر روز درآمد سرانه را نزول داده و سطح زندگی مردم را پایین تر آورده و جامعه را به سوی فقر و فاقد و بیکاری و گرانی و نابسامانی بیشتر رهنمون خواهد شد؟ و بیهوده نیست که برخی انفجار جمعیت را مهیب تر و خطرناک تر از انفجار اتمی دانسته اند. نتیجه آنکه نه تنها تشویق تولد و تناسل فکری به شدت اشتباه و ویرانگر و خطائی نابخشودنی است بلکه کنترل موالید و یافتن تمهیدات لازم برای پیشگیری از افزایش جمعیت باید مهمترین دغدغه خاطر و سیاست حتمی یک دولت ملی و مردمی در این کشور باشد. سیاستی که درست در جهت مقابل طرز تفکر و شعارهای رئیس جمهور، جمهوری اسلامی قرار دارد.

آغاز نماید چیزی نخواهد گذشت که به شش سالگی رسیده و به یک صدلی در دبستان نیاز خواهد داشت و شش سال بعد دوره دبستان را به پایان برده و به جایگاه دبیرستانی احتیاج پیدا خواهد کرد. پس از طی کردن دوره دبیرستان او جوان دیپلمه ایست که اگر استعداد و علاقه برای ادامه تحصیل را داشته باشد و امکانات مالی خانواده اش نیز تکاپو نماید به خیل عظیم و میلیونی داوطلبان ورود به دانشگاه وارد می شود و در صورت شکستن سد کنکور تازه به دانشکده و دانشگاه و استاد و تمام تجهیزات دانشگاهی نیاز خواهد داشت و در صورتیکه واجد شرایط و موقعیت لازم برای ادامه تحصیل نباشد جوانیست که علی القاعده باید وارد بازار کار گردد و امکانات کشور باید بتواند کار و درآمد کافی برای شروع یک زندگی ولو در حداقل را در اختیار او بگذارد. اگر هم به دانشگاه وارد شده باشد باز به زودی فارغ التحصیل گردیده و با مدارک علمی بالاتر جویای کار خواهد بود و پس از تمام این مراحل احتیاج اساسی بعدی او مسکن و ازدواج است. بدینگونه برای هر کودکی که متولد شود لیستی بلند بالا از ضرورت ها و نیازهایی که به اختصار به آنها اشاره گردید پیش روی کشور است. اگر حاکمیت با تصورات واهی و عقاید غیر اصولی و اشتباه به تشویق تولد و تناسل بپردازد این اطفالی که چشم به جان می گشایند به میلیون و میلیون ها و ده ها میلیون خواهند رسید و آن نیازهای برشمرده شده نیز یک میلیون، یا چند

هر مادر حامله ای در دوران بارداری به پزشک متخصص برای کنترل شدن و مراقبت های ویژه این دوران و تغذیه مناسب و کافی نیاز دارد. مادر باردار در هنگام وضع حمل به یک تخت بیمارستانی مجهز به اتاق عمل و اتاق زایمان و بخش مراقبت های ویژه و پرسنل مجرب در این زمینه ها و همچنین جراح زنان و زایمان و متخصصین دیگر در سایر رشته ها احتیاج دارد. هر نوزادی که چشم به جهان گشود بلافاصله باید تحت نظر متخصص کودکان قرار بگیرد تا سلامتی حال و آینده او محقق و میسر شود. مواد غذایی لازم برای رشد صحیح نوزاد مانند شیر خشک و مکمل های غذایی و فرآورده های ویتامینی ضروری برای او باید تامین گردد.

درمانگاه ها و بیمارستان های ویژه کودکان برای تحت نظر قرار دادن کودک و واکسیناسیون های ضروری او در زمان های مقتضی باید در دسترس باشد اگر در هر یک از مراحل مورد اشاره نقصانی وجود داشته باشد کودک دچار انواع ضایعات جسمی و روانی و کاهش ضریب هوشی گردیده و به موجودی تبدیل خواهد شد که نه تنها برای جامعه مفید و مؤثر نیست بلکه باری اضافی بر دوش خانواده و جامعه گردیده و باید منتظر نتایج و عواقب منفی مادی و روانی و اجتماعی او نسبت به جامعه باشیم و اگر به فرض تمام ضروریات و مقدمات فوق الذکر به طور کامل و قابل قبول فراهم باشد و نوزاد بتواند دوران کودکی خود را در شرایط خوب و مطلوبی

تجهم‌ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com